

زنده کردن دختر مرده

لوقا ۸: ۴۰-۵۶

مقدمه

از بچه‌ها بخواهید تصور کنند که قادر به انجام هر کاری هستند. از آنها بخواهید که هر کدام در مورد یک کار خارق‌العاده فکر کنند اما آن را با کسی در میان نگذارند. بعد به ترتیب هر کدام از بچه‌ها باید بیایند و به صورت پانتومیم به بقیه توضیح دهند که چه کار می‌توانند بکنند و بقیه باید حدس بزنند که منظور او چیست. این بازی را به صورت تیمی هم می‌توانید انجام دهید و در نهایت به تیمی که بیشترین تعداد را حدس بزند آبنبات بدهید.

به بچه‌ها توضیح دهید که عیسی می‌تواند هر کاری را انجام دهد. ما در درس‌های گذشته در مورد بعضی از این کارهای عجیب یاد گرفتیم. امروز می‌خواهیم در مورد یکی دیگر از کارهای خارق‌العاده‌ای که او انجام داد یاد بگیریم.

درس

در این قسمت از درس به شما پیشنهاد می‌کنیم از یکی از برادران در کلیسای تان بخواهید که کمک‌تان کند. او باید نقش یایروس را بازی کند و شما باید بجای اینکه از کتاب مقدس روخوانی کنید با او مصاحبه کنید.

مقدمه کوتاهی آماده کنید: بچه‌ها در درس قبل دیدیم که عیسی به شهری که آن‌طرف دریاچه جلیل قرار داشت رفته بود. در آنجا او مردی را که دیورده بود شفا داد. بعد از این ماجرا عیسی باز سوار قایق شد و به طرف دیگر دریاچه جلیل رفت. مردم زیادی منتظر عیسی بودند. در بین این جمعیت مردی بود به اسم یایروس. امروز یایروس به ما افتخار داده تا به کلاس ما بیاد و داستان آن روز را برای ما

هدف:

عیسی قدرت دارد مرده‌ها را زنده کند، چون خداست.

آیه حفظی:

یوحنا ۱۱: ۲۵

عیسی گفت: «قیامت و حیات منم. آن که به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، باز زنده خواهد شد.»
(ترجمه هزاره نو)

تعریف کند...

بعد از خوش آمدگویی می‌توانید سؤالات زیر را از یایروس پرسید:

۱- آقای یایروس اگر اشتباه نکنم شما آن روز نگران دخترتان بودید! چرا؟

ج- بله، من یک دختر خیلی خوشگل داشتم که ۱۲ سالش بود و مدتی بود که مریض شده بود. ما هر کاری برای مداوای او کردیم اما حالش خوب نشد. آن روز که عیسی به شهر ما آمد حال دخترم خیلی بد بود و دکتر گفته بود که به زودی می‌میرد.

۲- شما چه کار کردید؟

ج- من شنیده بودم که عیسی مریضان را شفا می‌داد برای همین تصمیم گرفتم پیش او بروم و از او خواهش کنم تا دخترم را شفا دهد. به محض اینکه عیسی را دیدم به پایش افتادم و از او خواهش کردم به منزل ما بیاید و دخترم را شفا دهد. من مطمئن بودم که او تنها کسی است که می‌تواند به دخترم کمک کند.

۳- من شنیدم که وقتی عیسی داشت به خانه شما می‌آمد زن دیگری را هم شفا داد!

ج- بله، عیسی خیلی مهربان بود. دلش برای همه مردم می‌سوخت و می‌خواست به همه وقت بدهد. اما من خیلی نگران بودم چون عیسی هیچ عجله‌ای برای آمدن به خانه ما نداشت و داشت با آن زن که مریض بود و حالا شفا یافته بود صحبت می‌کرد.

۴- بالاخره عیسی به خانه شما آمد؟

ج- وقتی عیسی داشت با آن زن صحبت می‌کرد یکی از خدمتکاران من آمد و خبر خیلی بدی به ما داد. دخترم مرده بود! دیگه برای شفای او خیلی دیر شده بود. اما عیسی به محض شنیدن این خبر پیش من آمد و به من گفت: «نترس! فقط ایمان داشته باش.»

۵- بعد چه شد؟

ج- عیسی به خانه ما آمد. او به افرادی که گریه می‌کردند گفت: «نگران نباشید این دختر فقط خوابیده». دکتر تا این جمله را شنید بلند خندید و عیسی را مسخره کرد. او حق داشت چون دکتر بود و می‌دانست که دختر من مرده. عیسی بالای سر دخترم رفت و دست دخترم را گرفت و گفت: «بلند شو!» همان لحظه دخترم چشمانش را باز کرد و از رختخواب بلند شد. باور کردنی نبود!

۶- شما در مورد عیسی چه فکر می‌کنید؟

ج- من به عیسی ایمان دارم و می‌دانم که او خداست. چون تنها خداست که می‌تواند به بدن انسان‌ها جان بدهد.

کاربرد

در چند درس گذشته دیدیم که عیسی چه کارهای عجیبی انجام می‌داد. و مردم با دیدن این کارها فهمیده بودند که او فردی خارق‌العاده است. خیلی از آنها مثل یایروس ایمان آورده بودند که او پسر خداست و نجات‌دهنده‌ای است که برای نجات انسان‌ها به این دنیا آمد.

از بچه‌ها پرسید که آنها در مورد عیسی چه فکر می‌کنند؟

اگر بچه‌ای در کلاس‌تان است که هنوز ایمان نیاورده می‌توانید در صورت امکان به‌طور کوتاه در مورد نجات صحبت کنید و او را تشویق کنید تا با شما و بقیه بچه‌ها دعا کند. اگر وقت کلاس اجازه نمی‌دهد می‌توانید به او بگویید که در صورت تمایل می‌تواند بعد از کلاس با شما وقتی داشته باشد تا بیشتر به او توضیح دهید.

برای بقیه بچه‌هایی که ایمان آورده‌اند می‌توانید توضیح دهید که شاگردان عیسی تنها کسانی بودند که از نزدیک همه این کارهای عجیب عیسی را می‌دیدند و هر روز چیز تازه‌ای از او یاد می‌گرفتند. چون با عیسی وقت می‌گذاشتند. پس بچه‌ها را تشویق کنید تا برای اینکه بیشتر با عیسی آشنا شوند هر روز کتاب مقدس بخوانند و دعای روزانه که روشی برای برقراری ارتباط با خداست را فراموش نکنند.

در خاتمه بچه‌ها را تشویق کنید تا هر کس دعای کوتاهی بکند.